



(شریفی صحنی، ۱۳۹۴) اشتباهی رخ داده که سبب شده یافته شدن دو بیت تازه از رودکی در این مقاله، به کلی زیر سؤال برود. در این مقاله نویسنده در ابتدا - همان گونه که عنوان مقاله نیز گویای آن است - به بررسی مجموعه‌های شعری و کوشش‌های محققان در خصوص شناسایی ابیات تازه رودکی و نقد آنها پرداخته است. از جمله ایرادات نویسنده بر پژوهندگان پیشین اشعار رودکی - که به گمان نگارنده با لحن نامناسبی بیان شده است - رد انتساب برخی از ابیات شناسایی شده است. نویسنده مقاله اعتقاد دارد برخی از این ابیات از آنجا که در دیگر دیوان‌ها آمده‌اند متعلق به رودکی نیستند، که البته این نقد خود جای بحث دارد.

پس از این نقد و نظر، نویسنده به معرفی دو بیت تازه از رودکی در کتابی با موضوع بلاغت، که در سده نهم کتابت شده، پرداخته است:

در نسخه‌ای دست‌نویس به شماره ۸۸۲۰ کتابخانه مجلس، که در قرن نهم کتابت گردیده مباحثی درباره علم بلاغت مطرح شده است. محمود بن محمد قندزی (زنده در ۸۲۱ق) در مبحث فک اضافه که از معایب بلاغت برشمرده شده، دو بیت زیر را به نام رودکی آورده و کنار آن با شکرگرف نام وی را ثبت کرده است؛ این دو بیت که تا به حال در مجموعه‌های شعری رودکی دیده نشده به شرح زیر است:

... دورگردانیدن حرکتی کی در آخر حرف مضاف افتد جایز نیست و آن حرکت در پارسی جز کسرت نباشد؛ چنانچ سر من و پای تو و چون این کسرت را دور کنند کلام از فصاحت بیرون آید چنانک: شعر

ای جاه به عزت تو نازان
وای جود به همت تو قایم

این دو بیت از رودکی نیست

علی نویدی ملاطی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی
ali.navidimalati@gmail.com

به یقین شناسایی و چاپ اشعار باقی مانده از شعرای متقدم زبان فارسی همچون رودکی، کسایی، شهید بلخی و مانند آنها، اتفاقی مبارک در شناخت شعر کهن فارسی به شمار می‌آید؛ اما باید توجه داشت که ذوق زدگی از یافتن ابیات تازه محقق را به شتابکاری نیاندازد. در شناخت و معرفی ابیات تازه یاب منسوب به شعرای متقدم، به قدمت دستنویس، صحت و اعتبار قول گردآورنده مجموعه یا جنگ با توجه به دیگر انتساب‌ها در همان اثر، تأیید شدن انتساب‌ها به واسطه اشخاص یا منابع موثق، و نیز سبک شخصی و دوره‌ای شاعر باید توجه داشت. در مقاله‌ای که با عنوان «بررسی برخی مجموعه‌های شعری رودکی و دو بیت تازه منسوب به او» از آقای محسن شریفی صحنی در دوفصلنامه آینه میراث به چاپ رسیده است

بدون تحقیق و ارزیابی دقیق، به نام وی معرفی شده است.
(همان: ۲۳۶)

او در ادامه در نقد برخی محققان چنین اظهار داشته است:

کمی مذاقه و بررسی در دیوان قطران- از آن جهت که بسیاری از اشعار وی به رودکی منسوب شده است- می توانست آقای قاسمی را از اطالۀ بی مورد کلام بی نیاز کند. (همان: ۲۳۸)

یکی از اشکالات اساسی در اکثر تحقیقات درباره رودکی این است که اغلب تحقیق و ارزیابی اشعار رودکی بدون بررسی اشعار قطران تبریزی صورت گرفته است. همچنین انتساب اشعار دیگران به رودکی، شتاب زدگی و عدم رعایت جوانب علمی، بهره گیری از متون متأخر و نیز اطمینان بی چون و چرا و غیرموجه به نظرات سعید نفیسی- که در بسیاری موارد تنها بر پایه حدسیات وی، اشعاری به نام رودکی منسوب شده است- از موضوعات دیگری است که در مقالات و کتبی که درباره اشعار رودکی نوشته شده به چشم می خورد. (همان: ۲۳۶)

ای سر تو همیشه سبز چون باغ
وای دل تو چو گل شکفته دایم

رودکی

مراد لفظ سر تو و دل توست (نسخه ۸۸۲۰: ۳۰۳).
(شریفی صحری، ۱۳۹۴: ۲۵۳)

نظر نویسنده مقاله درباره پژوهش های پیشین

پیش از پرداختن به بحث اصلی، بهتر است برخی سخنان نویسنده را در مقاله مورد نظر مرور کنیم. نویسنده هدف جستار خود را چنین بیان کرده است:

آنچه در این جستار مورد نظر است، نقد و ارزیابی برخی مقالات و کتب، در رد انتساب نادرست و گاه غیرعالمانه پاره ای اشعار به رودکی است. گاهی طی مجموعه ها و مقالات شتاب زده ای که درباره اشعار رودکی به چاپ رسیده،

رودکی (به شکرگرف)



شعر (به شکرگرف)

تصویر ۱: دستنویس شماره ۸۸۲۰، گ ۳۰۲ پ- ۳۰۳

نویسنده همچنین درباره شتابکاری برخی محققین درباره اشعار رودکی چنین نگاه داشته است:

بعضی نیز با یافتن چندبیتی به نام رودکی بلافاصله مبادرت به چاپ آن کرده‌اند؛ بدون این که مقدمات و جوانب علمی را رعایت کرده باشند. (همان: ۲۳۶)

او در ادامه مقاله درباره قدرت تشخیص یکی از پژوهندگان پیشین بالحنی تمسخرآمیز نوشته است:

قاسمی پس از تأیید نادرست هفت بیت مذکور به نام اشعار نوشناخته رودکی، خوشبختانه بالاخره به درستی تشخیص می‌دهد که سه بیت زیر در دیوان قطران ثبت است و از رودکی نیست! (همان: ۲۳۸)

تنها معیاری که نویسنده مقاله برای انتساب شعری به رودکی یا رد آن در دست داشته، وجود آن اشعار در دیوان دیگر شاعران چون قطران، مسعود سعد و مانند آنهاست. این در حالی است که درباره دیوان رودکی و قطران بسیار با احتیاط باید سخن گفت. هنوز تصحیح منقحی از دیوان قطران در دست نیست که مبنای قضاوت صدرصدی باشد. همانگونه که اشعاری از قطران احتمالاً به نام رودکی چاپ شده و در دیوان او جا خوش کرده، به احتمال بسیار زیاد اشعاری از رودکی نیز به دیوان قطران وارد شده است؛ نکته‌ای که محققان پیشین، از جمله سعید نفیسی (نک. نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۷۶-۴۷۷) و پس از او ذبیح‌الله صفا نیز بدان اشاره کرده‌اند:

مقداری از اشعار رودکی در دیوان قطران تبریزی راه جسته و دیوانی هم که از رودکی به طبع رسیده حاوی اشعاری از قطرانست. (صفا، ۱۳۶۹: ۳۷۸، ۱)

صفا علت اختلاط اشعار این دو را اشتباه شدن نام ممدوح رودکی (نصر) با کنیه ممدوح قطران (ابونصر مملان پسر ابومنصور وهسودان حکمران آذربایجان) حدس زده است (همانجا).

در این بین نسخه‌های برجای مانده از دیوان قطران نیز مؤید این نکته است. بنابراین قضاوت صریح تنها بر مبنای وجود شعری از رودکی در دیوان شاعری دیگر، معیار یقین‌آوری برای انتساب شعری به رودکی یا عدم انتساب آن شعر به او نمی‌تواند باشد. از این رو ضروری است بر مبنای نسخه‌های برجای مانده از دواوین رودکی و قطران، تحقیقی

تاریخی درباره چرایی و چگونگی و زمان تقریبی اختلاط اشعار این دو صورت گیرد. پس از آن شاید بتوان به درستی درباره انتساب یا عدم انتساب اشعار این دو با توجه به ویژگی‌های زبانی و بیانی ویژه‌شان سخن گفت.

چرا این دو بیت از آن رودکی نیست؟

با توجه به اهمیتی که یافتن دو بیت منسوب به رودکی می‌تواند داشته باشد، بر نگارنده روشن نیست که چرا نویسنده به نقلی گذرا از این کتاب بلاغی بسنده کرده و به خود ابیات و اینکه کدام ویژگی سبکی یا صرفی و نحوی مؤید این انتساب است به هیچ روی نپرداخته است؟

اشتباه اصلی نویسنده در تصور انتساب این ابیات به رودکی در این دستنویس، نتیجه شتابکاری و ناآشنایی او با سنت نقل اشعار و ذکر نام شاعر در دستنویس‌های فارسی، و به تبع آن ناآشنایی او با شیوه معمول مؤلف در نقل اشعار و ذکر نام شاعران در دستنویس یادشده است. به نظر می‌رسد این اشتباه در نتیجه یکسان‌نگاری شیوه رایج در روزگار ما در نگارش شعر و ذکر نام شاعر در پایان شعر، با شیوه قدمایی آن بوده باشد. نویسنده با دیدن نام رودکی در پایان دو بیت ذکر شده (نک. تصویر ۱) تصور کرده که این اشعار از رودکی است؛ در حالی که شعر رودکی یک مصرع از بیتی مربوط به کلیده و دمنه منظوم اوست که پس از نام رودکی آمده است: «شب زمستان کبیبی را سرد یافت». واژه «شعر» که در ابتدای این دو بیت آمده، به روشنی گواه این است که نویسنده به هر دلیل نام شاعر را ذکر نکرده یا نخواسته است که ذکر کند. عجب‌تر اینکه مصراع ذکر شده بعد از نام رودکی نیز نویسنده را به شک نینداخته است که شاید تنها این مصراع از آن رودکی باشد.

شیوه معمول ذکر شعر و نام شاعر در دستنویس‌های فارسی، آن است که ابتدا نام شاعر یاد شود و سپس شعر یا اشعار او به دنبال نامش بیاید (نه پیش از آن). از جمله کهن‌ترین دستنویس‌های فارسی، کتاب ترجمان‌البلاغه است که در آن تعداد قابل توجهی شعر به همراه نام شاعران آنها یاد شده است. در این کتاب عمدتاً بعد از ذکر نام شاعر - که بالفاظی چون «می‌گوید»، «گفت» و مانند آن همراه است - شعر یا اشعار او ذکر شده است (نک. تصویر ۲).

دیده می شود که در شمار ابیات مورد استشهاد در لغت نامه های کهن فارسی درآید. در پایان خوانندگان یک بار دیگر این دو بیت را بخوانند و در مورد ادعای انتساب آن به رودکی قضاوت کنند:

ای جاه به عزت تو نازان
وای جود به همت تو قایم
ای سر تو همیشه سبز چون باغ
وای دل تو چو گل شکفته دایم

منابع

- حکیم، سید محمدحسین (۱۳۹۰). فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. جلد ۱/۲۹. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رادویانی، محمدبن عمر (۱۹۴۹م). ترجمان البلاغه. به کوشش احمد آتش. استانبول: بنگاه تحقیقات شرقی دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول.
- شریفی صحی، محسن (۱۳۹۴). «بررسی برخی مجموعه های شعری رودکی و دو بیت تازه منسوب به او». آینه میراث، دوره جدید، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی ۵۷)، ص ۲۳۵-۲۵۶.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- قندزی، محمودبن محمد. دستنویس شماره ۸۸۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: کتابخانه ابن سینا.

کتابخانه

رودکی کوید
کبرئنا دهر اندر جیار ما که مکز یادش جز اندر هسبار ما

تصویر ۲: ترجمان البلاغه، گ ۲۳۷ ر (چاپی: ص ۱۵۷)

و جایی که نام شاعر بر مؤلف معلوم نبوده، با تعبیری چون «شاعر گوید» و مانند آن به مخاطب اعلام کرده که به هر دلیلی نام شاعر نام معلوم است (نک. تصویر ۳).

شاعر کوید
ماهی کید و بنکری نوید که از نیال بناشد خپو فومه را
چونان که دل مز بود چمنتم. بیجازه نداند ز بود که را

تصویر ۳: ترجمان البلاغه، گ ۲۵۴ ر (چاپی: ص ۱۹۱)

در دستنویس شماره ۸۸۲ (برای اطلاع نسخه شناختی نک. حکیم، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۶) نیز همین رویه دنبال شده است. مؤلف دستنویس یاد شده، در ذکر نام شاعران به دو شیوه عمل می کند: یا نام آنها را می داند که حتماً پیش از شعر (نه پس از آن) به ذکر آنها می پردازد؛ یا نام آنها را نمی داند، یا نمی خواهد که یاد کند و به ذکر «شعر»، «بیت» و مانند آنها اکتفا می کند (عمده موارد از این دست است).

نویسنده مقاله یاد شده که قسمت عمده ای از مقاله اش را به نقد پژوهش های پیشین با لحنی نامناسب اختصاص داده، در مهم ترین بخش مقاله اش به اشتباه افتاده است و ابیاتی را به عنوان شعر رودکی آورده، که به هیچ روی از رودکی نیست. این نبوده مگر به واسطه ناآشنایی نویسنده با شیوه ذکر نام شاعران در کتاب های قدیم. در واقع نویسنده علی رغم توصیه به پژوهندگان پیشین مبنی بر «مداقه و بررسی» مواد مورد بررسی (شریفی صحی، ۱۳۹۴: ۲۳۸)، خود با تخطی از این روش گرفتار این «اشتباه وحشتناک» (همان: ۲۴۰) شده و ابیاتی را به رودکی منسوب کرده است، که از آن رودکی نیستند.

حتی اگر برهان قاطع یاد شده هم وجود نداشت، دو بیت ذکر شده از نظر سبک بیان هیچ مانندی به اشعار مسلم رودکی ندارد و بیشتر به نظمی متوسط شبیه است که شاعری برای کتابی در بلاغت سروده باشد. در این دو بیت نه از اندیشه های حکمی خبری است، نه از شادباشی معمول در اشعار رودکی و نه، به مانند بسیاری از ابیات مفرد رودکی، لغت خاصی در آن